

شاه مرد، اما... ؟

شاه مرد. در پنجم مرداد ماه بالاخره شاه پس از یکسال و نیم دربدری و آوارگی و بیش از ۶ ماه بیماری در فاهره مرد (یا کشته شد) و لاشه متعفن اش همراه با همسایه امیدها و تصورات و توهمات خوش بین ترین سلطنت طلبان بیزیر خاک رفت.

برای توده های میهن ما شخص شاه دو سال پیش مرده بود. شاه و سلطنت فردای ۱۷ شهریور مرد. و هنگامیکه در دی ماه او از ایران رفت، شاه مرده بود و در یکسال و نیم گذشته هیات حاکمه تنها بخاطر فریب توده ها و استفاده های تبلیغی و محض فرار از نتگناها، گاه بگاه لاشه بیجان او را خوب میزد، تا نظام شاهی، اخلاق و رفتار شاهی، سبک کار شاهی و... همه شاه کارهای خود را که از شاه سرده به ارث برده بود در پس هیاهوی مجالس شاه کشی پنهان سازد.

خبر مرگ شاه که عمر ۵ مرداد در ایران منتشر گردید به خلاف خیر رفتن شاه از ایران در یکسال و نیم پیش که با شادی و هلهله و وصف ناپذیر مردم همراه بود بایستی تفاوتی تمام روبرو شد و عکس العمل قایل توصیفی را برنیانکسخت. این بی تفاوتی توده های مردم در مورد مرگ شاه از اینرو بود که برای همه شاه مدتها پیش از این مرده بود...

خبر مرگ شاه مخلوع هنگامی در شهر بخش میشود که توده های وسیع زحمتکشان با کوشش و پوست خنود احساس میکنند که غلبه غم مذهبهای شاه جنایت میدهد، علیرغم افشای دستکاهای ترور و حفیان و رنداشها و شکجه های دوران شاه، علیرغم افشای اختلاسها و دردیهای شاه و اطرافیان، علیرغم اعدام سران رژیم شاهنشاهی، و با همسایه هو و حشال دانشجویان خط امام در

مورد استرداد شاه و محاکمهی او، و علیرغم اینکه براساسی شاه رفتیه و سلطنت برچیده شده و بالاخره با اینکه شاه عملاً مرده است، اما سیستم ستم شاهی هنوز زنده مانده و آنچه که تبلور نخوست و خیانت و جنایت شاه بوده، همه زنده مانده اند و فعال. قوانین همان قوانین ارتجاعی سابق و گاهی ارتجاعیتر از سابق است. مجلس شورا همان مجلس فرمایشی است کمی مفتضح تر. ساواک با شمایی دیگر همچنان پابرجاست و به تفتیش عقاید و شکار مبارزین مشغول است. دادگاه های نظامی جای خود را به دادگاه های انقلاب اسلامی داده اند و قضاوت و داد رسی آنها روی دآوری دوران شاه را سفید کرده است. سپاه پاسداران جای گارد جاویدان را گرفته و هنوز بیشتر و بی رحمانه تر از گذشته دانشجویان، کارگران، دهکداریان و مردم کوچه و بازار را سرکوب میکنند و به گلوله مینندد. ارتش همان ارتش ضد مردمی است، که در یکسال و نیم گذشته به اندازه ۲۷ سال حکومت شاه در بخون کشیدن گنبد کردستان، به اربابان جدید خویش خدمت کرده است. دوباره مطبوعات ممنوع شده اند و ناشرین و چاپچی ها به بند کشیده شدند. سازمان و گروه های مترقی باز تحت سختترین پیگردها هستند. باز "خوابکار"، "خوابکار" است و مبارزین را در بیابانها، کوچه و خیابان و در میدانهای تیر بقتل میرسانند. شکنجه گران کشته شده اند، اما شکنجه برقرار است. باز توهین به شخص اول مملکت جزایش مرگ است. و بالاخره شیوه های حکومت علیرغم نام جمهوری اش همچنان استبداد فردی است.

۵ مرداد خبر مرگ دیکتاتور، زمانی منتشر میشود که دیکتاتوری همچنان برقرار است و هر چند یک دیکتاتور مرده، اما دیکتاتورهای

دیگر زنده اند. یکسال و نیم گذشته مردن شاه و باقی ماندن سیستم ستم شاهی به مردم نشان داد که مسئله سقوط و مرگ یک شاه مطرح نیست. آنچه باید نابود شود، سیستمی است که دیکتاتوری فردی بر آن میتواند این چنین حکومت کند. وجوه شرایط گذشته و کارنامه های سیاه یکسال و نیم حکومت فقها و درک این که آنچه علت و ریشه است باید نابود گردد، مردم مارا به این بی تفاوتی که در روز مرگ شاه دیدیم گشاده است، درست همین آگاهی اولیه است که میبایست هدایت شود و تنها نیروهای انقلابی و چپ رسالت هدایت درک توده از سطح به عمیق را بعهده دارند.

۵ مرداد شاه مرد. او در شرایطی مرد که فشار و خفقان گاه حتی وحشتناکتر از دوران شاه ادامه دارد، دیکتاتوری چنگال خود را بر گلوئی همه میفشارد و آزادیهای که خونبهای مبارزات مردم بودند یکی پس از دیگری قربانی تشبیت آن میگردد. در چنین شرایطی است که مردم ما بایستی تفاوتی و بهت زدگی با خبر مرگ شاه روبرو میشوند و با لبخند تلخ و طنز آلودی میگویند: شاه مرد، اما... ؟

تذکر

متأسفانه بهنگام صفحه بندی رهائی شماره ۴۱ اشتباهی رخ داد که بدینوسیله تصحیح میگردد. در صفحه ۱۴ پاراگراف اول ستون سوم (از مقالهای "جلوه های از سیاست ضد کارگری رژیم") یعنی "وی یعنی نماینده دولت..... دارای تمام اختیارات و بنا براین"، باید در ابتدای ستون اول همان صفحه قرار داده شود.

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان، انقلابی دگر باید